

ذوق مقامات و ترفیع فیہ الی ذوق سنا من موجب للاطلاع
 ذوق مقام ناقص است و ما بر می زنی این در مقام آواز و گویند که در موجب برای اطلاع
 علی مانیہ فانه من لم یتکلم علی المقام ای مقام کان ولم یتوجه عنہ بطریق
 بر اینکه در مقام بر سینه که کلام در مقام نمی باشد و ترجمند از ان بطریق
 الحاصل صولہ و الا مسترف علی جملة مانیہ فانه انما یتکلم علی ذوقہ من
 حصر امر اول از و بطریق چشم برداشتن بر جملہ در وی است پس بر سینه او و از ان
 ذلک المقام لبس بجای آید و لا محیط به تا فهم و موجب القسم الثاني من سبق
 آن مقام مثبت حکم بران مثبت محیط باد پس فهم کن و موجب قسم نانی آن
 علم الحق سبحانه بان المقام لمن قدر حصوله له لا بد و ان يكون
 علم حق سبحانه است با آنکه بر سینه بر سینه تقدیر کرده است و حال آنکه بر او است
 مدخل فلا ینحصر الوهبة الذائبة فیه فان ساعد القدم الایلی
 مدخل پس خاص محضت مومنه ذاتی در ان پس اگر است کند تقدیر بر
 و التوفیق بان تکاب الاعمال التی فی شرط فی حصول ذلک المقام کا
 و توفیق او بسبب ارتکاب اعمالیکه آنها شرط و اند در حصول آن مقام خواهد
 ذلک و ان لم یساعد القدم ولم یف العز باستیفاء ذلک الاعمال
 آن در است عفت کند تقدیر و و فکند عمر باستیفاء آن اعمال
 المشروط ان تکابها للتخوف بذلك المقام ارسل الله المحسن علی صاحب
 که شرط کرده است انما یزنی بان مقام فرستد الله تعالی محسن بر صاحب
 المقام و مهزفه الرضاء بها و الصبر علیها و حبس النفس فیها عن
 مقام و روز کند او رضایان محسن و صبر بر آنها و حبس نفس در آنها از کسی

الغلابی سکون لولا
 فیه قریب که در مقام
 اله مع علم الحق ان
 تک با وجود علم حق بر سینه
 حصول ذلک المقام
 حصول آن مقام

الاعتناء و الاستعانة فی زعمها سواء تکان ذلک کله عرضاً عن تلك اعلا
 بوی غیر الله و از استقامت در دفع آن بوی است پس بشد آن هم عرض از ان اعمال
 المشترط فیما ذکرنا و قائم مقامها حصل المقام المقدس حصوله لئلا
 مشروط در اینکه ذکر کنیم و بشد آن من مقام آن اعمال پس من مقامیکه تقدیر کرده شد است
 بالشروط التي یتوقف حصولها علیها فان الصبر والرضا والاخلاص لله
 بشرطیکه موقوف است حصول مقام بر آنها پس بر سینه صبر و رضا و اخلاص که بر این است
 من دون الاستعانة الی غیره و طلب العونة من سوا کلها اعلان باطنه
 بدون التفت بوی غیر او و بدون طلب عونت از بوی او و در آن اعمال
 سیری حکما فی الاحوال الظاهرة كالنسبة و نحوها فاعلم ذلک و تدبیر
 که بر سینه میکند حکم آن در احوال ظاهر، مثل نسبت و مانند آن پس بدان از ان و کن
 ما ذلک تعرف کثیرا من اسرار محسن ارب علیه السلام و ما لبث به
 چیزی که ذکر کرده شد برای تو خدای شناخت بسیار از اسرار محسن ارب علیه السلام و آنچه
 و غمزه و اما موجب القسم الثالث فهو معرفة ما لا حقائق الا کا بر
 بان و غمزه آن و اما موجب قسم ثالث پس آن دست آینه ای حقایق بزرگان است
 المضاهبة للحضرة الالهية المترجم عنها بقوله تعالی و ان من شیء الا
 که مضاهبی اند حضرت ابدرا و مترجم اند از ان حضرت بقول او تعالی و من شیء الا
 عندنا خزائنه فما ننت من ان حقیقة او سع کان قبوله للک
 نزد ما خزاین آن سببی است پس که هست آینه حقیقت او و سع تر باشد بقل برای
 الحضرة و حظه منها و فرنگه ان حظم ما يعطی العادة و غیر من
 حضرت است و نصیب از ان حضرت و از تر پس چنانکه بر سینه خطبان از اینکه عطا میکند و تر می

